

فقدان شرایط اساسی

در

توافق جامع

امیرفیض - حقوقدان

۲- اصل تساوی حق ملت ها واصل تساوی حاکمیت کشورها

اصول دیگری که در کنوانسیون وین از ارکان اصالت عهدنامه ها مقرر شده اصل تساوی حق ملت ها ومنتبع آن، اصل تساوی حاکمیت کشورهاست که متاسفانه در توافق جامع ملحوظ قرار نگرفته است.

همانطور که در قانون اساسی کشورها، همه افراد کشور صرف نظر از دین و رنگ و قوم در مقابل قانون دارای حقوق یکسان هستند در جامعه جهانی نیز همه کشورها دارای حق حاکمیت یکسان و از حیث حقوق و وظائف، بدون تبعیض و تفاوت های اقتصادی، دینی، جغرافیایی، روش زندگی و غیره از حقوق بین المللی متساوی برخوردار خواهند بود.

مبانی حقوقی اصل برابری حاکمیت کشورها وحق ملت ها در اعلامیه مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۷۰- منشور سازمان ملل متحد - اعلامیه هلسنکی - و اعلامیه جهانی حقوق بشر در بخشش خاصی دارد.

تبعیض موقوف، برابری جاری

مفهوم اجرایی برابری حق حاکمیت کشورها و تساوی حق ملل چیزی جز توقف و محکوم کردن تبعیض نیست.

همانطور که تبعیض در واحد های کوچک اجتماع و حتی خانواده ها موجب دشمنی و نفار، و جایگزین دشمنی با دوستی و صمیمیت میشود، تبعیض بین کشورها هم همین حکم را دارد با این تفاوت که تبعیض روی زمینه های ناسیونالیستی ملت ها تاثیری فوق العاده تند و انعطاف ناپذیر دارد.

به همین دلیل است که منشور سازمان ملل متحد اصول مزبور را ضامن بقای صلح و شالوده نظام جهانی میداند و کنوانسیون وین در مورد عهدنامه های بین المللی هم از اهمیت و اعتبار آن اصول غافل نمانده و عدم رعایت تساوی حق حاکمیت و حقوق ملت ها را از مبانی بی اعتباری عهدنامه های بین المللی میداند (ماده ۳۵).

توافق جامع و اصول برابری حاکمیت کشورها

توافق جامع، در مواردی اصول برابری حق حاکمیت کشورها و حق تساوی حقوق ملت هارا رعایت نکرده است که از جمله میتوان به دومورد زیر استناد کرد:

مورد اول - متوقف ساختن فعالیت هسته ای ایران

در حالیکه برخی از کشورهای عضو سازمان ملل در استفاده انرژی هسته ای آزادی مطلق دارند، محدودیت های ایجاد شده در توافق جامع با اصل تساوی حقوق ملت ها و حق حاکمیت کشورها منافات دارد.

اینکه گفته میشود بعثت موقعیت تهاجمی جمهوری اسلامی ویا نقض حقوق بشروامثال آنها این محدودیت ها به آن کشور تحمیل شده است؛ گفته درستی نیست زیرا منشور سازمان ملل همه کشورها را متساوی الحقوق دانسته است و هیچ پیش شرطی بر اصل ورود تساوی حقوق و حاکمیت ندارد.^۱

سازمان ملل متحد با توجه به قانون اساسی و مبانی حقوقی جمهوری اسلامی که بر پایه حاکمیت دینی است نه حاکمیت مردم، عضویت جمهوری اسلامی را پذیرفته است و این بدان معناست که سازمان ملل وضعیت نامساعد جمهوری اسلامی با حقوق بشرویا حمایت از گروه های سیاسی خاصی را آنقدر مهم نمیداند که مانع تسری و رعایت اصل تساوی حاکمیت کشورها گردد. سازمان ملل هیچ الزامی در عضویت جمهوری اسلامی ویا کشوری که ناقض منشور سازمان ویا اعلامیه جهانی حقوق بشر است ندارد ولی وقتی از این حق استفاده نکرد همین جمهوری اسلامی هم زیرچتر اصل برابری حاکمیت کشورها قرار خواهد گرفت که قرار هم دارد.

درست است که جمهوری اسلامی مدعی است که خواهان حق استفاده آزاد از انرژی (بمب) هسته ای نیست ولی این اعلام جمهوری اسلامی ایجاد حق تعرض ۱+۵ به حق حاکمیت ملت ایران را نمینماید. همین روزها نظرسنجی های گالوپ نشان میدهد که ایرانیان حاضر به ازدست دادن حق استفاده فراگیر از انرژی هسته ای علیرغم تحمیل تحریمها نیستند.

بنابر این، نظریه اینکه

الف- محدودیت استفاده آزاد جمهوری اسلامی از انرژی هسته ای نه تنها به عموم کشورهای عضو سازمان ملل تحمیل نشده وگروهی آزادانه وبدون ممانعت های لازم به استفاده از آن مشغولند.

ب- نظریه اینکه توافق جامع علاوه بر اینکه به حق حاکمیت بین المللی ایران لطمه مسلمی که خلاف ماده ۳۵ کنوانسیون وین است وارد ساخته از نظر حق حاکمیت داخلی نیز جمهوری اسلامی نمیتواند و نمیتوانسته به توافقی تن دهد که ناقض حق حاکمیت داخلی کشور باشد.

بنابراین توافق جامع بارعایت کنوانسیون وین در مورد تعهدات بین المللی تنظیم نشده است.

۱ - هم امروز (۳۱ جولای ۲۰۱۵) در میان گزارش ها دیده می شود باوجود اینکه کره شمالی بارها بمب اتمی خود را آزمایش کرده است ولی جامعه جهانی اعلام کرده است به آن ترتیبی که با ایران رفتار شده است نمی تواند با کره شمالی رفتار بشود. با توجه به اینکه کره شمالی عضو سازمان بین المللی انرژی اتمی هم نیست، همانطور که اسرائیل عضو نیست ولی بمب اتم هم دارد. ح-ک

مورد دوم - راستی آزمائی

موضوع راستی آزمائی در توافق جامع یک اهریمن سازی مسلم از ایران و ایرانیان است و مفهوم آن که متأسفانه به موافقت نمایندگان جمهوری اسلامی هم رسیده گواهی و تائید جمهوری اسلامی است به اینکه ایرانیان مردمی نامرد، بدقول، بی اعتبار، بی شرافت و غیرقابل اعتماد هستند و جمهوری اسلامی گواهی کرده که خارجی‌ان حق داشته باشند ۲۵ سال نگران اهریمنی ایرانیان باشند.

ارزیابی راستی آزمائی

ارزیابی (راستی آزمائی) که تاکنون در هیچ عهدنامه ای دیده نشده در مقابل دستگاه دروغ سنجی که سابقه آشنائی دارد براحتی ممکن میشود.

دستگاه دروغ سنجی براین اصل عمل میکند که اصل، راستگویی انسان است مگرخلاف آنرا دستگاه نشان بدهد برعکس، راستی آزمائی یعنی اصل نادرستی طرف است مگرخلاف آنرا راستی آزمائی نشان بدهد.

نادرستی که مقابل صداقت و راستی است متضمن مفاهیم دروغ است؛ که دروغ مادر فساد اخلاقی و از اسباب نامردی و بی وفائی و امثال آن شناخته شده است دروغ فسق و دروغو فسق و بی ایمان و بی اعتماد و دشمن خدا خوانده شده (فرهنگ ایرانی) و اینها همه ام الفساد است که از دروغ سرچشمه میگیرد.

حد و حدود راستی آزمائی برخلاف استفاده از دستگاه دروغ سنج محدود و منظم و حتی تعریف شده نیست.

چگونه ممکن است در یک عهدنامه طرفی زیر بار عهد نامه ای برود که یکی از ارکان اساسی آن (راستی آزمائی نامعلوم و نامحدود) باشد؟

تنها علامتی که از ماهیت راستی آزمائی در دست است اظهارات آقای اوباما است که گفته است: > این توافق بر اساس اعتماد نیست بلکه بر اساس راستی آزمائی بی سابقه و سختگیرانه است <.

وقتی رئیس جمهور کشوری که خود را ابر قدرت جهان میداند و بودجه نظامی اش برابر بودجه تمام کشورهای جهان (منهای روسیه) است راستی آزمائی را بی سابقه و سختگیرانه میدانند به عبارت: > گرز به خوردن پهلوان < باید دریافت که ابعاد اجرائی راستی آزمائی تا کجای ملت ایران فرو خواهد رفت تا بنظر آمریکا متناسب با خواست آن کشور باشد.

راستی آزمائی و کنوانسیون وین

این چنین تدبیر و اعلامی در توافق جامع نه تنها برخلاف اصل تساوی حقوق ملت هاست که در هیچ عهدنامه بین المللی سابقه ای از آن مشهود نیست و اساساً جهل به موضوع از آثار کره و مبطل عهدنامه میباشد، و این درست مخالف صراحت کنوانسیون وین است، بلکه خارج از اختیارات نمایندگان ایران در مذاکرات هسته ای هم هست؛ زیرا اهریمن شناختن ملت ایران که مورد تائید توافق جامع بامضای نمایندگان جمهوری اسلامی قرار گرفته ناقض حقوق بنیادی ملت ایران است که فرهنگ و تاریخ و سابقه ملت ایران را نادیده گرفته است خاصه اینکه حقوق بنیادی ملتها قائم به تشخیص شخص نیست.

درسالهای پیش زمانی که آقای ریگان درسخنانی ایرانیان را بربر خواند، صدای اعتراض مردم ایران کاملاً در جهان قابل شنیدن بود. چشم ملت ایران روشن که امروز جمهوری اسلامی دریک سند بین المللی مهردروغزنی را به شناسنامه و شرافت ملی ایرانیان میزند.

از نظر حقوق بنیادی ملت ها، احاد ملت حق ندارند گواهی نسبت به موردی بدهند که با شرافت و اعتبار و اخلاق ملت ایران منافات داشته باشد.

درسال ۱۷۱۵ شخصی بنام رضابیک که نمایندگی ایران رادفرانسه داشت قرارداد ورسای که در آن نوعی حق کاپیتولاسیون برای فرانسویان نسبت به ایران قائل شده بود امضا کرد، شاه ایران آن قرارداد را به مناسبت اینکه نماینده ایران اختیارتضییع چنین حقی را از ایران نداشته آن قرارداد را نه خودش امضا کرد و نه قابل قبول دانست.^۲



این نمونه برای آن انتخاب شد که بدانیم ۴۰۰ سال قبل ایرانیان به حقوق بنیادی خود معتقد بوده اند تجاوز نماینده کشور را به حقوق بنیادی ملت ایران محکوم کرده ولی اکنون جمهوری اسلامی به امضای کسانی که حق دخالت درحقوق بنیادی ایران را نداشته اند صحت اعتباری داده است.

نمایندگان ایران در مذاکرات هسته ای به هیچوجه حق نداشته اند که دریک سند تاریخی ملت ایران را واجد صفات اهریمنی معرفی کنند تا حدی که ۲۵ سال درمهارنظارت و تربیت بیگانگان قرارداد داشته باشد.

کجای عقل و انصاف اجازه میدهد که کسانی به اهریمنی و نادراستی ملتی گواهی دهند که نسلهای ۲۵ سال آینده ایرانی دروغگو و نیاز به راستی آزمائی دارند؟

آری در قرارداد های بین المللی ممکن است کشوری بازنده بشود ولی در حدی که شرافت ملی یک کشوری به بهای راستی آزمائی به این سادگی برباد برود؛ ابداً دیده نشده است.

نمایندگان ایران در ورود به بحث تاجه رسد به قبول موقعیت اهریمنی برای ملت ایران در توافق جامع خیانتی کرده اند که واقعا مستحق فرش قرمز هم بوده اند! و از نظر حقوق اسلامی قابل تشبیه با عملی

۲ - در زمان شاه سلطان حسین صفوی، در تاریخ ۱۷۱۵ (م) رضابیک سفیر ایران در فرانسه معاهده ای را که در سال ۱۷۰۸ (م) نماینده فرانسه در ایران به امضاء رسانیده بود تکمیل و امضاء کرد. چون این معاهده در «ورسای» پایتخت فرانسه به امضاء رسید به معاهده ورسای معروف شد. در این معاهده تمام مواد کاپیتولاسیون مطرح است ولی باید دانست چون رضا بیک در مقام سفیریه هیچ وجه مأموریت امضای چنین معاهده ای را نداشت دولت ایران آنرا نپذیرفت. دیگری اینکه معاهده مزبور مورد تصویب پادشاه ایران قرار نگرفت.

در سال ۱۷۲۳ (م) کنسول فرانسه در شیراز در زمانی که شاه سلطان حسین صفوی دچار فتنه افغان شده بود توانست این معاهده را بر شاه تحمیل کرده و آن را به امضای شاه سلطان حسین برساند. از همه مهمتر آنکه خود دولت فرانسه هم به هیچ وجه از این قرارداد استفاده نکرد، زیرا فرانسویان در نتیجه انقلاب های داخلی مجبور شدند برای مدت مدیدی خاک ایران را ترک نمایند. ح-ک

است که تخطی صریح و روشن به موازین اسلامی است. قانون جزیه از کفار کجا و قول و توقع خدا از برتری مسلمانان بر کفار کجا و اهریمن شناختن ملت مسلمان ایران در مقابل کفار کجا؟

هم امروز شنیده شد که معاون اول شیخ حسن با نامه ای خضوع آمیز و تشکر از عنایات عالییه! مراجع تقلید با هدایائی بنزد آنان رفته و موافقت آنان ربا توافق جامع گرفته است (به استثنای علم الهدی) مفهوم این موافقت نامه یعنی، جامعه تشیع ایران تائید میکند که کفار ۲۵ سال بر مسلمانان که حکم بربر و اهریمن را دارند حکومت، و نظارت تربیتی داشته باشند. چشمتان بر آن شعورتان روشن. میدانستیم که عرق ملی و شرافت میهنی ندارید ولی همه میدانستند که از شرافت و درک اسلامی هم معاف هستید.

تالی فاسد نظارت ۲۵ ساله

اولین فساد مسلم در توافق جامع ایجاد حق نظارت برای عموم کشورهای است که در آینده با ایران عهد نامه ای تنظیم نمایند مستند این قول، رویه بین المللی اصل کاملت الوداد است که میگوید:

وجود شرط و یا امتیازی در عهدنامه های بین دو کشور سبب میشود که کشورهای دیگر هم در قرارداد هایشان با آن کشورها از همان امتیازها برخوردار شوند. این امتیازات بطور خود کار منتقل به کشورهای ثالث میشود و نیازی به تصویب موافقتنامه جدیدی ندارد.

اعضای سازمان تجارت جهانی که تمام کشورهای توسعه یافته جهان و اکثر کشورهای در حال توسعه را فرامیگیرد؛ متعهد هستند که مقررات دولت کاملت الوداد را در برابر یکدیگر رعایت کنند.

(حقوق بین الملل کاتوزیان)

حق راستی آزمائی که در توافق جامع به کشورهای ۱+۵ و عملاً به آمریکا داده شده به تمام کشورهای جهان قابل انتقال است و همین روسیه و چین و آلمان در قراردادهای بازرگانی خودشان میتوانند به حق راستی آزمائی مشابه همان حقی که در توافق جامع به آمریکا داده شده متوسل و از آن استفاده کنند.

در قرارداد ترکمانچای همینکه حق مصونیت قضائی به افراد روسی مقیم ایران داده شد بلافاصله مورد استفاده فرانسه و انگلیس هم قرار گرفت. یعنی شامل اصل کشورهای کاملت الوداد شد.

انگیزه برابر، در کابیتولاسیون و راستی آزمائی

انگیزه مصونیت قضائی برای خارجیان در قرارداد ترکمانچای عدم اعتماد آنها به رفتار ایرانیان با افراد خارجی بود که خارجیان در آن رفتار صداقت و انصاف نمیدیدند و ترجیح میدادند که افراد کشور خودشان در قالب مصونیت ورهائی از حکمفرمائی قضائی ایرانیان قرار گیرند.

پس منشاء مصونیت قضائی (کابیتولاسیون) قرارداد ترکمانچای عدم اعتماد به راستی و صداقت ایرانیان بوده است و این درست منشاء راستی آزمائی است که در توافق جامع پیاده شده است.

حکم اصل تساوی ملتها

بنابر اصل تساوی ملتها (بنی آدم اعضای یکدیگرند....) اگر معامله با ملت ایران نیاز به راستی آزمائی دارد ملت آمریکا و چین و روسیه هم دارد و اگر آن ملت ها ندارند اصل تساوی ملت ها اجازه نمیدهد که ملت ایران با آن فرهنگ و تاریخ درخشان، خوگچه آزمایشی کشورهای غرب بشود.

همانطور که در مقدمه تحریر بعرض رسید، محیط عمل این تحریر، ورود به ماهیت راستی آزمائی نیست ولی این اشاره زیادی نیست که ماده راستی آزمائی ومدت آن در توافق جامع نسبت به تمامی مواد آن توافق سنگین و زیان بارتر است.

علاوه بر اینکه پروانه دخالت ونظارت کامل در امور ایران رابطور غیرمستقیم محول آمریکائی ها میسازد و من تبع آن همه کشورهای جهان را مستعد استفاده از آن امتیاز من غیرحق خواهد ساخت یک ننگ تاریخی بسیار سنگین که اهمیتی بمراتب بیشتر از مصونیت قضائی قرارداد ترکمانچای دارد (بعلت زمان و وجود سازمان ملل ومنشور حقوق بشر) به گرده کشور ما تحمیل شده است.

نتیجه گیری جامع

نظربه اینکه آرتیکل [بند] راستی آزمائی ناقض اصل برابری ملتهاست و توهین مسلم به ملت ایران هم هست لذا بحثی در تضاد با کنوانسیون وین نیست وتوافق جامع در مدارج ابطال ماده ۳۵ قرارداد دارد.

۳- پدیده تهدید در توافق جامع - به فرصت دیگر